

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ترون شین
تایپ و ارسال: همایون اوریا
۰۹ اگست ۲۰۲۳

دو اثر از تجربیات ویتنام

ترون شین و...

تذکار:

نشر این مجموعه به منظور آشنائی خواننده و جوینده امروز با تجارب و درس های تاریخی مبارزات خلق قهرمانی که پروژه ابرقدرت امریکا را در هندو چین به خاک مالید و لقب قهرمانی را از آن خود کرد، به منظور درس آموزی صورت می گیرد. باز نشر این تجارب مبارزاتی به معنای تأیید کلیه محتوا و کاراکتر های تذکر رفته در این دو اثر و یا هموائی کامل ما با تمامی دیدگاه ها و سیاست های "حزب زحمتکش ویتنام" و تبیین نویسنده و حزب مذکور از مسائل ملی و بین المللی، نیست. لذا خواننده را نیز به مطالعه انتقادی این گزیده دعوت می کنیم - ویراستار

فهرست

مقدمه:

اثر نخست: چگونه حزب ما مارکسیسم - لنینیسم را در شرایط ویتنام به کار بست؟

انقلاب ملی - دموکراتیک توده ئی

انقلاب سوسیالیستی

مسأله قهر در انقلاب ویتنام

دیکتاتوری دموکراسی توده ئی

ستراتژی و تاکتیک حزب

ساختمان حزب

اثر دوم: تبلیغ مسلحانه (نشریه داخلی)

۱- چگونه حزب ما مارکسیسم - لنینیسم را در شرایط ویتنام به کار بست؟

مقدمه:

رفقای عزیز،

در طول قریب یک قرن عمر سلطه استعماری فرانسه، خلق ما که از یوغ استعمارگران و فئودال ها به جان آمده است، همواره برای کسب مجدد استقلال و آزادی میهن قهرمانانه به پا خاسته است. از پس هر مبارزی که از پا افتاد، مبارز دیگری سر برافراشت. با این وجود کلیه جنبش های آزادیبخش ملی از قبل از ایجاد حزب ما برپا شده بودند، با شکست مواجه گردیدند. یکی از دلایل این امر در این نهفته بود که پیشگامان انقلاب ما هنوز نسبت به جهان بینی علمی پرولتاریا، این انقلابی ترین طبقه عصر ما، شناخت نداشت. و به همین جهت برنامه صحیحی جهت هدایت انقلاب تا نیل به پیروزی در دست نداشتند.

بشریت به عصر جدیدی پا نهاده است، عصر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم در مقیاس جهانی، عصری که با انقلاب کبیر اکتوبر گشایش یافته است. طبقه کارگر نیروی مرکزی عصر ما را تشکیل می دهد.

"خصوصیت عمده عصر ما در این است که سیستم سوسیالیستی جهانی به عامل عمده، جهت عمده و مشخصات عمده رشد تاریخی جامعه بشری در عصر کنونی، توسط سیستم سوسیالیستی جهانی، توسط نیرو هائی که به خاطر دگرگونی سوسیالیستی جامعه با امپریالیسم در حال حاضر پیکار هستند، مشخص می گردد." (اعلامیه احزاب کمونیستی و کارگری - کنفرانس مسکو - ۱۹۶۰)

در عصر ما هر انقلاب حقیقتاً " عمیق توده های مردم، برای آن که به پیروز نائل گردد:

"باید تحت رهبری حزب واقعاً انقلابی طبقه کارگر، حزب مارکسیست - لنینیستی، قرار گیرد، مسأله هژمونی انقلابی طبقه کارگر اینک قریب ۱۲۰ سال است که توسط مارکس و انگلس در "مانیفست حزب کمونیست" اولین برنامه انقلابی طبقه کارگر طرح گردیده است."

به شکرانه تأثیرات عمیق انقلاب اکتبر و کار تبلیغاتی رفیق هوشی مین، اولین مارکسیست ویتنامی، مارکسیسم - لنینیسم به درون کشور ما راه یافت.

در سال ۱۹۳۰ حزب کمونیست هندوچین (در حال حاضر حزب زحمتکش ویتنام) پا به عرصه وجود گذاشت و به این ترتیب چرخش بزرگی را در تاریخ انقلاب ویتنام موجب گشت.

حزب ما، با به کار بردن مارکسیسم - لنینیسم و با پافشاری قاطعانه بر روی پلانفرم انقلابی طبقه کارگر، از وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور به طرز علمی ارزیابی به عمل آورد، برنامه صحیح انقلاب را تدوین نمود و انقلاب ویتنام را با گام های مطمئن به پیش راند.

همراه با پیروزی انقلاب اوت، جمهوری دموکراتیک ویتنام - دولت دموکراسی توده ئی ویتنام - پا به عرصه وجود نهاد و ضعیف ترین حلقه زنجیر استعماری امپریالیسم در آسیای جنوب شرقی گسیخت. این اولین پیروزی بزرگ مارکسیسم - لنینیسم در یک کشور مستعمره و نیمه فئودال و در عین حال بزرگ ترین دگرگونی در تاریخ ملت ویتنام بود. برای اولین بار در کشور ما مردم زحمتکش حاکم بر کشور خویش شدند و تمامی استعداد، هوش، ذکاوت و شعور خود را وقف ایجاد زندگانی نوینی نمودند.

پس از انقلاب اوت و پس از قریب نه سال مقاومت، خلق ویتنام تجاوز استعمارگران فرانسوی و حامیان امپریالیست امریکائی آن را با شکست مواجه نمود. امروز این خلق در راه مقاومت علیه تجاوز امریکا و برای رستگاری ملی به موفقیت های مهمی نایل می گردد.

پس از پیروزی بر استعمارگران فرانسوی، شمال ویتنام به مرحله انقلاب سوسیالیستی گام نهاد، جمهوری دموکراتیک به پیشقراول مستحکم اردوگاه سوسیالیستی در آسیای جنوب شرقی مبدل گردید. علت این که حزب ما توانسته است انقلاب ویتنام را به موفقیت های پی در پی رهنمون گردد و کسب نتایج این چنین مهمی را برای آن میسر سازد، در این است که نحوه به کار برد خلاقانه مارکسیسم - لنینیسم را در شرایط مشخص ویتنام درک نمود و برای طبقه کارگر و خلق ویتنام خط مشی انقلابی صحیحی ترسیم کرد که عبارت است از مشی انقلاب ملی - دموکراتیک توده ئی که به سوی انقلاب سوسیالیستی در ویتنام پیش می رود.

انقلاب ملی - دموکراتیک توده ئی:

حزب ما در درجه اول به این مساله توجه نمود که ویتنام کشوری بود مستعمره و نیمه فئودال. کشاورزی بخش عمده اقتصاد ملی را تشکیل می داد. امپریالیست های خارجی برای سرکوب و استثمار خلق ما به طبقه مالکان ارضی فئودال متکی بودند. دهقانان قریب ۹۰٪ جمعیت را تشکیل می دادند. به این جهت، در ویتنام حل دو تضاد عمده در دستور قرار داشت. اول، تضاد میان ملت ویتنام و امپریالیست های متجاوز، دوم تضاد میان توده های وسیع مردم - به طور عمده دهقانان و طبقه مالکان ارضی فئودال. تضاد اساسی ای که برای حل آن کلیه نیرو ها را می بایست متمرکز کرد، تضادی بود که ملت ویتنام را در مقابل امپریالیست های متجاوز و نوکران شان قرار می داد. امپریالیسم برای تسلط بر کشور ما به طبقه مالکان ارضی تکیه می کرد. اینان نیز چون خادمان امپریالیست ها رفتار می کردند و برای حفظ امتیازات و مزایای شان خود را تحت حمایت آنها قرار می دادند. بنابراین، انقلاب ویتنام دو وظیفه داشت:

۱ - وظیفه ضد امپریالیستی یعنی بیرون راندن امپریالیست های متجاوز و کسب مجدد استقلال ملی.

۲ - وظیفه ضد فئودالی یعنی سرنگونی طبقه مالکان ارضی فئودال، انجام رفرم ارضی و تحقق شعار " زمین از آن کسانی که روی آن کار می کنند". این دو وظیفه به نحو جدائی ناپذیری به یکدیگر مربوطند: برای بیرون راندن امپریالیست ها، باید مالکان را سرنگون نمود؛ برای برای سرنگون کردن مالکان ارضی فئودال، باید امپریالیست ها را بیرون راند.

در جامعه ویتنام چه نیرو هائی وظیفه سرنگونی امپریالیست ها و فئودال ها را به عهده دارند؟ این نیرو عبارت از چهار طبقه خلق: طبقه کارگر، دهقان، خرده بورژوازی و بورژوازی ملی. لیکن به طور عمده طبقه کارگر و دهقان، زیرا اینان اکثریت مطلق خلق ویتنام را تشکیل می دهند و طبقاتی هستند که بیش از همه تحت ستم و استثمار قرار دارند و بیشترین قابلیت و ظرفیت انقلابی را دارا هستند. رهبری انقلاب ویتنام باید در دست طبقه کارگر قرار داشته باشد، زیرا این طبقه پیشرو ترین و انقلابی ترین طبقه است و تنها او است که خصلت های لازم را جهت رهبری انقلاب ویتنام تا پیروزی کامل دارا می باشد.

در یک کلام، وظیفه انقلابی عبارت است از سرنگون ساختن امپریالیسم متجاوز و طبقه مالکان فئودال به خاطر کسب مجدد استقلال ملی، تحقق بخشیدن به شعار " زمین از آن کسانی که بر روی آن کار می کنند"، تبدیل ویتنام مستعمره و نیمه فئودال به کشوری حقیقتاً مستقل و دموکراتیک. این انقلاب توسط خلق، تحت رهبری طبقه کارگر و بر پایه اتحاد

کارگران و دهقانان انجام گرفته است. به اعتقاد حزب ما این انقلاب، انقلاب ملی - دموکراتیک توده‌ئی، انقلاب بورژوا - دموکراتیک طراز نوین کشور ما است.

در حقیقت، انقلاب ملی دموکراتیک توده‌ئی ویتنام شامل دو جنبش انقلابی است که به نحوی فشرده با یکدیگر پیوند دارند و بر روی یکدیگر نفوذ و تاثیر متقابل می‌گذارند، یعنی انقلاب رهاییبخش ملی و انقلاب ارضی (که رفورم ارضی نیز نامیده می‌شود). با توجه به همدستی و رابطه نزدیکی که بین امپریالیست‌ها و طبقه مالکان ارضی فئودال به خاطر حفظ سلطه خودشان برقرار است، غیر ممکن است که بتوان فقط امپریالیست‌ها را سرنگون ساخت، بدون این که به فئودال‌ها که در خدمت آنان هستند، صدمه وارد آورد.

به علاوه، دهقانان بزرگ‌ترین نیروی انقلابی را تشکیل می‌دادند. انقلاب ملی - دموکراتیک توده‌ئی به پیروزی نمی‌رسد، مگر با شرکت توده‌های وسیع دهقانان. در جریان انقلاب ملی - دموکراتیک توده‌ئی، حزب ما، به خاطر بسیج نیروهای عظیم دهقانان در خدمت انقلاب، به خاطر تحکیم اتحاد کارگران و دهقانان، سیاست رفورم ارضی، سرنگونی طبقه مالکان ارضی فئودال، الغای رژیم مالکیت ارضی فئودال، تحقق شعار " زمین از آن کسانی که بر روی آن کار می‌کنند " و انجام خواست‌های ارضی دهقانان را در پیش گرفت.

پیوند فشرده میان وظیفه ضد امپریالیستی و وظیفه ضد فئودالی مسأله‌ای است مربوط به مقوله ستراتیژی انقلابی. تفکیک این دو وظیفه از هم می‌تواند انقلاب ملی - دموکراتیک توده‌ئی را به شکست بکشاند. مع الوصف این دو وظیفه را نباید در یک سطح به موازات هم به پیش راند. این یک تجربه مهم حزب ما در امر رهبری ستراتیژی است. چرا دو وظیفه ضد امپریالیستی و ضد فئودالی را نباید در یک سطح به موازات هم پیشبرد؟ کشور ما یک کشور مستعمره بود. سلطه امپریالیستی با تمام سنگینیش بر دوش ملت ویتنام قرار داشت. امپریالیست‌های متجاوز قوی‌ترین و خونخوارترین دشمنان تمام خلق ما و ملت ما بودند. فقط به شرط سرنگونی امپریالیست‌ها بود که کسب مجدد استقلال ملی و تحقق آزادی‌های دموکراتیک خلق و شعار " زمین از آن کسانی که بر روی آن کار می‌کنند "، امکان پذیر بود. امپریالیسم و طبقه مالکان ارضی فئودال دو آماج اصلی انقلاب ملی - دموکراتیک توده‌ئی بودند. دو دشمن اصلی که می‌بایست سرنگون شوند. لیکن آماج اصلی‌تر، دشمن اصلی‌تر، امپریالیسم بود.

در انقلاب ملی - دموکراتیک توده‌ئی وظایف ضد امپریالیستی و ضد فئودالی هر دو اساسی هستند. لیکن وظیفه ضد فئودالی باید تابع وظیفه ضد امپریالیستی قرار گیرد. به این خاطر است که در دوره اولیه انقلاب ملی - دموکراتیک توده‌ئی باید لبه تیز انقلاب را اساساً متوجه امپریالیست‌های متجاوز نمود و به هر قیمتی تمام نیروها را برای سرنگون ساختن آن مجتمع کرد.

برای این مقصود مهم است که تکیه را بر روی مسأله رهایی ملی قرار داد و یک جبهه متحد ملی ضد امپریالیستی ایجاد کرد و امپریالیست‌های متجاوز و وفادارترین عمال فئودال آنها یعنی: شاه، صاحب منصبان و متنفذین جبار را به زیر آتش انقلاب گرفت.

مسأله‌ای که حزب ما در انقلاب ملی - دموکراتیک توده‌ئی با آن مواجه بود، عبارت بود از منفرد کردن خطرناک‌ترین دشمنان انقلاب - امپریالیست‌های متجاوز و وفادارترین عمال فئودال آنان. قائل شدن تمایز میان صفوف مختلف طبقه مالکان ارضی، محروم ساختن امپریالیست‌ها از پشتیبانی بخشی از عمال‌شان، تضعیف نقاط اتکای آنان، به خاطر آن که بهتر بتوان سرنگون‌شان کرد. به این علت می‌بایستی تمام نیروهای را که با امپریالیسم و نوکرانش درگیر بودند، به گرد یکدیگر مجتمع و سیاسی را مبتنی بر اتحاد وسیع ملی پیاده کرد. هر قدر جبهه متحد ملی ضد امپریالیستی وسیع‌تر می‌بود، همان قدر نیز انقلاب در وضعیتی مناسب‌تر قرار می‌داشت. لیکن امر اساسی در این

بود که جبهه بر روی اتحاد مستحکم کارگران و دهقانان بنا شود و تحت رهبری قاطعانه حزب قرار گیرد. این جبهه نه تنها می بایست تمام طبقات خلق، تمام ملیت های برابر را که در کنار یکدیگر در ویتنام زندگی می کردند، تمام احزاب دموکراتیک، تمام سازمان های سیاسی و مذهبی و میهن پرست را در بر می گرفت، بلکه می بایست همچنین شخصیت های دموکرات و شخصیت های میهن پرستی را که منشاء طبقاتی فئودالی داشتند، نیز شامل می شد.

بدین ترتیب وظیفه ضد فئودالی می بایستی گام به گام انجام می گرفت. حزب ما، نظر به مقاصد سیاسی جبهه - که فوقاً بدان ها اشاره شد - وظیفه ارضی را در سه مرحله انجام داد:

الف: گام اول - ضبط زمین های متعلق به امپریالیسم و خائنان ویتنامی جهت تقسیم آنها بین دهقانان فقیر، تقسیم مجدد زمین های متعلق به شهرداری به نحوی صحیح و عادلانه.

ب: گام دوم - تقلیل بهره مالکانه و نرخ نزول، تعلیق و فسخ قروض پرداخت نشده به مالکان ارضی.

ج: گام سوم - رفورم ارضی، الغای حق مالکیت ارضی فئودال، ضبط، مصادره و بازخرید زمین های متعلق به مالکان ارضی برای تقسیم آنها میان دهقانان فاقد زمین یا کم زمین، و به این ترتیب تحقق بخشیدن به شعار " زمین از آن کسانی که بر روی آن کار می کنند ".

در به کار بست این ستراتیژی انقلاب ملی - دموکراتیک توده ئی، ما گام های نادرست نیز برداشتیم و مرتکب خطاهائی جزئی شدیم. لیکن واقعیات انقلابی چهل سال اخیر ثابت کرده اند که مشی انقلاب ملی - دموکراتیک توده ئی و نیز رهبری ستراتیژیکی و تاکتیکی حزب ما صحیح بوده است. و اینست دلیل پیروزی انقلاب اوت (۱۹۴۵) و پیروزی نهضت مقاومت علیه استعمارگران فرانسوی (۱۹۵۴ - ۱۹۴۵).

بدین ترتیب، در مرحله ابتدائی انقلاب ملی - دموکراتیک توده ئی، ما هنوز دست به اجرای رفورم ارضی نمی زدیم. لیکن در طی جریان این جنبش انقلابی، برای رفع نیازمندی های انقلاب و تحکیم اتحاد کارگران و دهقانان لحظه ای فرا رسید که حتماً می بایست رفورم ارضی انجام می پذیرفت، رژیم مالکیت فئودالی ملغی و پایه های سیاسی و اجتماعی امپریالیسم در کشور مان قطع می گردید.

طبقه کارگر باید به طور قاطعی رهبری انقلاب ملی - دموکراتیک توده ئی را در دست گیرد و نباید آن را با هیچ طبقه دیگری تقسیم کند و به طریق اولی نباید اجازه دهد که این رهبری به دست بورژوازی ملی بیفتد. تجربه انقلاب در کشور مان نشان داده است که تنها هژمونی انقلابی طبقه کارگر است که به انقلاب ملی - دموکراتیک توده ئی امکان می دهد اهداف ضد امپریالیستی و ضد فئودالی را که شامل شعار های اساسی زیر است، تحقق بخشد:

- واژگون نمودن امپریالیسم متجاوز و فئودال های خودفروخته؛

- تأسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام، تحقق بخشیدن به آزادی های دموکراتیک (که آزادی اعتقاد مذهبی را نیز شامل است) برای خلق؛

- ضبط اموال امپریالیست های متجاوز و خائنین ویتنامی و سپردن اداره آنها به قدرت توده ئی؛

- لغو کلیه مالیات ها، عوارض و بیگاری هائی که توسط امپریالیست ها و فئودال ها وضع شده بود و وضع یک سیستم مالیاتی صحیح و عادلانه؛

- کاهش بهره مالکانه و نرخ نزول به مثابه آغاز سیاستی که به رفورم ارضی و تحقق بخشیدن به شعار " زمین از آن کسانی که بالای آن کار میکنند " منجر گردد؛

- اجرای روز کار هشت ساعته، افزایش دستمزد ها، تعیین یک دستمزد حداقل، تصویب یک قانون کار؛

- ایجاد و توسعه یک اقتصاد، یک فرهنگ و یک آموزش ملی و دموکراتیک؛

- ایجاد یک ارتش انقلابی خلق، برقراری خدمت نظام وظیفه اجباری، سازماندهی دفاع ملی؛
 - تحقق بخشیدن به تساوی میان زن و مرد؛
 - تحقق بخشیدن به برابری میان ملیت ها؛
 - برقراری مناسبات دوستانه با کشور های سوسیالیستی و سایر کشور هائی که استقلال و حاکمیت ویتنام را محترم بشمارند.
 - پشتیبانی از جنبش انقلابی طبقه کارگر و خلق های تمام کشور ها، دفاع از صلح جهانی.
- ادامه دارد